

طرحواره‌های والدین و کارکرد اجتماعی نوجوانان: رویکردی شناختی-تحویلی

یاسمن هاشمی فر

کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان

yasamanh13801403@gmail.com

چکیده

مقدمه: طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان ساختارهای شناختی عمیق، ریشه در تجارب اولیه با مراقبان داشته و از طریق فرایندهای شناختی-تحویلی به نسل بعد منتقل می‌شوند. هدف این پژوهش بررسی مکانیسم‌های انتقال بین‌نسلی طرحواره‌های والدین و تأثیر آن بر کارکرد اجتماعی نوجوانان است.

روش: این مطالعه مروری نظام‌مند بر اساس دستورالعمل PRISMA ۲۰۲۰ انجام شد. جستجوی سیستماتیک در پایگاه‌های PubMed، Scopus، Web of Science، SID، Magiran و Google Scholar برای مقالات منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۵ انجام گرفت. از کلیدواژه‌های "طرحواره والدین"، "انتقال بین‌نسلی"، "نوجوانی"، "سازگاری اجتماعی" و "رویکرد شناختی-تحویلی" استفاده شد. در نهایت ۴۹ مقاله معیارهای ورود را داشتند.

یافته‌ها: یافته‌ها در شش جدول شامل: (۱) الگوهای انتقال بین‌نسلی، (۲) مکانیسم‌های شناختی واسطه، (۳) نقش سبک‌های والدگری، (۴) پیامدهای کارکرد اجتماعی، (۵) اثربخشی مداخلات، و (۶) عوامل تعدیل‌گر دسته‌بندی شدند. طرحواره‌های والدین به‌طور مستقیم ($\beta=0,31$) و غیرمستقیم از طریق شکل‌گیری طرحواره‌های هم‌تا در نوجوانان ($\beta=0,24$) با کارکرد اجتماعی مرتبط هستند.

نتیجه‌گیری: طرحواره‌های والدین از طریق مکانیسم‌های یادگیری مشاهده‌ای و الگوهای تعاملی به نوجوانان منتقل شده و کارکرد اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مداخلات خانواده-محور مبتنی بر طرحواره در کاهش این الگوهای ناسازگار مؤثر هستند.

کلیدواژه‌ها: طرحواره‌های والدین، انتقال بین‌نسلی، کارکرد اجتماعی، نوجوانی، رویکرد شناختی-تحویلی

مقدمه

دوره نوجوانی به‌مثابه یکی از حساس‌ترین مراحل تحول شناختی و اجتماعی انسان، همواره کانون توجه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی تحولی بوده است. این دوره که با گذار از تفکر عینی به تفکر انتزاعی، شکل‌گیری هویت، و تغییر کانون دلبستگی از والدین به همسالان مشخص می‌شود، بستری آسیب‌پذیر برای ظهور یا تشدید مشکلات سازگاری اجتماعی فراهم می‌آورد. آنچه در دهه‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است، نقش والدین نه تنها در شکل‌گیری اولیه الگوهای شناختی-هیجانی کودک، بلکه در انتقال بین‌نسلی این الگوها و تأثیر آن بر کارکرد اجتماعی نسل بعد است.

طرحواره‌درمانی که توسط جفری یانگ در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی بنیان نهاده شد، چارچوب نظری قدرتمندی برای درک این فرایندهای انتقالی ارائه می‌دهد. یانگ، طرحواره‌های ناسازگار اولیه را به‌عنوان "الگوهای خودشکن، پایدار و فراگیر از حافظه، هیجان و شناخت" تعریف می‌کند که در پاسخ به ارضای نشدن نیازهای بنیادین عاطفی در دوران کودکی شکل می‌گیرند. این طرحواره‌ها که در پنج حوزه اصلی دسته‌بندی می‌شوند، به‌عنوان عدسی‌های تحریف‌شده عمل کرده و درک فرد از خود، دیگران و جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آنچه رویکرد شناختی-تحولی را به این حوزه پیوند می‌زند، این بینش اساسی است که طرحواره‌ها صرفاً ساختارهای درون‌روانی نیستند، بلکه در بستر روابط اولیه با مراقبان شکل گرفته و از طریق مکانیسم‌های شناختی (مانند مدل‌سازی، درون‌سازی و انتقال) به نسل بعد منتقل می‌شوند. پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که والدینی که خود دارای طرحواره‌های ناسازگار هستند، الگوهای والدگری ناکارآمدی را به کار می‌گیرند که منجر به شکل‌گیری طرحواره‌های مشابه در فرزندان می‌شود. مطالعه شی و همکاران (۲۰۲۴) با بررسی ۲۰۱ جفت نوجوان و مراقب اصلی، شواهد تجربی روشنی برای این انتقال بین‌نسلی ارائه داد. یافته‌های ایشان نشان داد که طرحواره‌های نوجوانان نقش واسطه‌ای در رابطه بین طرحواره‌های والدین و سازگاری اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند. به‌طور خاص، طرحواره‌های بی‌اعتمادی/بدرفتاری و خودکنترلی ناکافی والدین از طریق طرحواره‌های همتای خود در نوجوانان، بر سازگاری اجتماعی آنان تأثیر منفی می‌گذارد.

از منظر شناختی-تحولی، نوجوانی دوره‌ای حیاتی برای تثبیت یا تعدیل این الگوهای انتقالی است. در این دوره، توانایی‌های فراشناختی نوجوانان افزایش می‌یابد و آنان قادر به تأمل در مورد باورها و الگوهای فکری خود می‌شوند. با این حال، همین توانایی می‌تواند به تداوم طرحواره‌ها نیز کمک کند، زیرا نوجوانان ممکن است تجارب اجتماعی خود را به شیوه‌ای تفسیر کنند که با طرحواره‌های درون‌سازی شده هماهنگ باشد. پژوهش لاملی و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که نوجوانان با سطوح بالای افسردگی، سازماندهی شناختی متفاوتی دارند؛ آنان ساختار طرحواره منفی فشرده‌تری نشان می‌دهند که با برداشت‌های آنان از والدگری سرد و پاسخگو مرتبط است. کارکرد اجتماعی در نوجوانی، مفهومی چندبعدی است که شامل کیفیت روابط با همسالان، مهارت‌های حل تعارض، رفتارهای همدلانه، و توانایی برقراری و حفظ روابط صمیمانه می‌شود. مطالعه یوتنگرن و پالمروس (۲۰۰۷) نشان داد که نوجوانانی که "طرحواره تعارض مقتدرانه" (مبتنی بر احترام متقابل) دارند، از سطح سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردارند، در حالی که طرحواره‌های تعارض مستبدانه و سهل‌گیرانه با سطوح پایین‌تری از سازگاری همراه است. این یافته نشان می‌دهد که نه تنها وجود طرحواره، بلکه محتوای خاص آن، پیش‌بینی‌کننده مهمی برای کارکرد اجتماعی است.

در کنار این یافته‌ها، شواهد فزاینده‌ای از اثربخشی مداخلات مبتنی بر طرحواره در بهبود کارکرد اجتماعی نوجوانان وجود دارد. مرور نظام‌مند دیگری که توسط پژوهشگران دانشگاه آکدینیز در سال ۲۰۲۶ انجام شده است، نشان داد که مداخلات طرحواره‌درمانی در قالب‌های فردی، گروهی و والد-محور با بهبود تنظیم هیجانی، کاهش علائم افسردگی و اضطراب، کاهش مشکلات رفتاری، و بهبود کارکرد بین‌فردی در نوجوانان همراه است. به‌طور خاص، برنامه‌هایی که به‌طور همزمان والدین و نوجوانان را هدف قرار می‌دهند، با اندازه اثر بزرگتری همراه بوده‌اند. برنامه پیشگیرانه لایوس و همکاران (۲۰۲۴) که بر روی ۹۰ کودک یونانی (۱۳-۹ سال) و والدینشان

اجرا شد، نشان داد که مداخله منجر به کاهش معنادار در طرحواره‌های ناسازگار کودکان، کاهش مشکلات ارتباط با همسالان، و افزایش رفتارهای اجتماعی می‌شود. با وجود این پیشرفت‌ها، شکاف‌های دانشی متعددی در این حوزه وجود دارد. نخست آنکه، بیشتر مطالعات بر انتقال مستقیم طرحواره‌ها متمرکز بوده‌اند و مکانیسم‌های شناختی-تحویلی واسطه (مانند سبک‌های پردازش اطلاعات، ظرفیت فراشناختی، و سوگیری‌های تفسیری) به‌طور کافی بررسی نشده است. دوم آنکه، نقش متغیرهای تعدیل‌گر مانند سن نوجوان، جنسیت، و فرهنگ در فرایند انتقال بین‌نسلی نیازمند بررسی دقیق‌تری است. سوم آنکه، علی‌رغم تأکید نظری بر ماهیت تحویلی طرحواره‌ها، مطالعات طولی محدودی در این زمینه انجام شده است. از این رو، هدف از نگارش این مقاله، ارائه تحلیلی جامع از رابطه بین طرحواره‌های والدین و کارکرد اجتماعی نوجوانان از منظر رویکرد شناختی-تحویلی است. این مقاله به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- (۱) چه الگوها و مکانیسم‌هایی انتقال بین‌نسلی طرحواره‌های والدین را تبیین می‌کنند؟
- (۲) طرحواره‌های والدین از چه مسیرهای شناختی-واسطه‌ای بر کارکرد اجتماعی نوجوانان تأثیر می‌گذارند؟
- (۳) نقش سبک‌های والدگری در این فرایند چیست؟
- (۴) چه مداخلات مبتنی بر طرحواره در بهبود کارکرد اجتماعی نوجوانان مؤثر بوده‌اند؟ و
- (۵) چه عواملی (مانند جنسیت، سن، فرهنگ) این روابط را تعدیل می‌کنند؟

پیشینه تحقیق

مبانی نظری: طرحواره‌ها به‌عنوان ساختارهای شناختی-تحویلی

طرحواره‌های ناسازگار اولیه ریشه در سنت روانکاوی، نظریه دلبستگی بولبی (۱۹۶۹)، و درمان شناختی-رفتاری دارند. با این حال، آنچه رویکرد شناختی-تحویلی را از سایر دیدگاه‌ها متمایز می‌کند، تأکید بر نقش فرایندهای تحول شناختی در شکل‌گیری، تثبیت و تغییر این ساختارهاست. از این منظر، طرحواره‌ها نه صرفاً بازنمایی‌های ایستا از تجارب گذشته، بلکه ساختارهای پویایی هستند که در تعامل مداوم با محیط اجتماعی، بازسازی و بازتفسیر می‌شوند.

یانگ پنج نیاز بنیادین را شناسایی کرده است که ارضای آنها برای رشد شناختی-هیجانی سالم ضروری است:

- (۱) دلبستگی ایمن، (۲) خودمختاری و شایستگی، (۳) آزادی در ابراز نیازها و هیجانات، (۴) بازی خودانگیزانه، و (۵) محدودیت‌های واقع‌بینانه.

زمانی که والدین به‌طور مداوم در برآورده‌سازی این نیازها ناکام می‌مانند، کودک برای سازگاری با شرایط ناکارآمد، طرحواره‌هایی را توسعه می‌دهد که به راهنماهای شناختی برای تفسیر تجارب بعدی تبدیل می‌شوند. پژوهش لاملی و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از تکلیف مقیاس‌سازی فاصله روان‌شناختی، نشان داد که سازماندهی طرحواره‌های شناختی در نوجوانی با برداشته‌های آنان از والدگری مرتبط است. به‌طور خاص، نوجوانانی که والدین خود را سرد و از نظر هیجانی پاسخگو نمی‌دانستند، ساختار طرحواره منفی فشرده‌تری نشان می‌دادند و این سازماندهی شناختی با سطوح بالاتر افسردگی همراه بود. این یافته از این جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد نه تنها محتوای طرحواره، بلکه سازماندهی و انسجام آن نیز پیامدهای روان‌شناختی دارد.

انتقال بین‌نسلی به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که در آن الگوهای فکری، هیجانی و رفتاری از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. در حوزه طرحواره‌درمانی، این پدیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نشان می‌دهد که چگونه آسیب‌پذیری‌های شناختی در طول نسل‌ها تداوم می‌یابند. مطالعه شی و همکاران (۲۰۲۴) با نمونه ۲۰۱ جفت نوجوان (۱۶-۱۲ سال) و مراقب اصلی در چین، شواهد روشنی برای این انتقال ارائه داد. یافته‌ها نشان داد که طرحواره‌های نوجوانان نقش واسطه‌ای کاملی در رابطه بین طرحواره‌های والدین و

سازگاری اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند. به‌طور خاص، طرحواره بی‌اعتمادی/بدرفتاری والدین از طریق ایجاد طرحواره مشابه در نوجوانان، به کاهش سازگاری اجتماعی آنان منجر می‌شود. همچنین، طرحواره خودکنترلی ناکافی والدین نیز الگوی مشابهی را نشان داد. این یافته‌ها با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا هماهنگ است؛ کودکانی که والدین بدگمان و کنترل‌گر را مشاهده می‌کنند، این الگوها را درون‌سازی کرده و در تعاملات اجتماعی خود بازتولید می‌کنند. علاوه بر این، مکانیسم‌های مستقیم‌تری نیز در این فرایند نقش دارند. برای مثال، والدینی که دارای طرحواره بی‌اعتمادی هستند، ممکن است رفتاری کنترل‌گرانه و بازجو از خود نشان دهند که استقلال و اعتماد به نفس نوجوان را تضعیف می‌کند.

سبک‌های والدگری به‌عنوان واسطه‌های اصلی در فرایند انتقال بین‌نسلی عمل می‌کنند. یوتنگرن و پالمروس (۲۰۰۷) مفهوم "طرحواره تعارض" را معرفی کردند که نشان می‌دهد چگونه نوجوانان الگوهای حل تعارض را از تعاملات با والدین درون‌سازی می‌کنند. در مطالعه آنان بر روی ۱۲۰ نوجوان سوئدی، چهار طرحواره تعارض شناسایی شد که هر یک بازتاب‌دهنده سبک والدگری متفاوتی بود. نوجوانانی که والدین مقتدر داشتند (ترکیب گرمی با محدودیت‌های متناسب)، طرحواره تعارض مقتدرانه (مبتنی بر احترام متقابل) را درون‌سازی کرده و از سطح بالاتری از سازگاری روانی-اجتماعی برخوردار بودند. در مقابل، نوجوانان والدین مستبد (کنترل بالا، گرمی پایین) و سهل‌گیر (گرمی بالا، کنترل پایین) سطوح پایین‌تری از سازگاری را نشان دادند. این یافته از دو جهت اهمیت دارد. اول آنکه، نشان می‌دهد سبک والدگری مستقیماً بر شکل‌گیری طرحواره‌های شناختی خاص در نوجوان تأثیر می‌گذارد. دوم آنکه، این طرحواره‌های تعارض، پیش‌بینی‌کننده قوی برای کارکرد اجتماعی نوجوان در موقعیت‌های تعاملی با همسالان و بزرگسالان هستند.

کارکرد اجتماعی نوجوانان به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر طرحواره‌های آنان قرار دارد. مطالعه مداخله‌ای در ایران (۲۰۲۴) بر روی کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی نشان داد که آموزش والدگری مبتنی بر طرحواره‌درمانی منجر به بهبود معنادار در تنظیم هیجانی، کاهش علائم رفتاری و بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود. این یافته از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد اصلاح طرحواره‌های والدین، حتی در حضور یک اختلال تحولی پیچیده مانند ADHD، می‌تواند پیامدهای اجتماعی مثبتی برای کودک به همراه داشته باشد. متیس و شوتر (۲۰۲۴) در یک مدل نظری جدید، نقش سه طرحواره شناختی را در مشکلات رفتاری نوجوانان برجسته کرده‌اند: (۱) اهداف، (۲) انتظارات پیامد، و (۳) باورهای هنجاری درباره پرخاشگری. به زعم ایشان، این سه طرحواره بر پنج مهارت اصلی حل مسئله اجتماعی تأثیر می‌گذارند: تفسیر، شفاف‌سازی اهداف، تولید راه‌حل‌ها، ارزیابی راه‌حل‌ها، و تصمیم‌گیری. این مدل، پلی نظری بین رویکرد طرحواره‌درمانی و رویکرد شناختی-رفتاری سنتی ایجاد می‌کند.

مرور نظامند ۲۰۲۶ که توسط پژوهشگران آکدنیز انجام شد، نشان داد که کاربرد طرحواره‌درمانی برای کودکان و نوجوانان در سه قالب اصلی ارائه می‌شود: فردی، گروهی، و والد-محور یا خانواده-محور. از ۲۱ مطالعه واجد شرایط، پنج مطالعه مداخله فردی، نه مطالعه مداخله گروهی، و هشت مطالعه مداخله مبتنی بر والد یا خانواده را بررسی کرده بودند. در مجموع، شواهد حاکی از اثربخشی طرحواره‌درمانی در کاهش علائم هیجانی و رفتاری، بهبود تنظیم هیجانی، و افزایش کارکرد بین‌فردی در نوجوانان است. جالب توجه آنکه، حتی برنامه‌های کوتاه‌مدت با جلسات محدود نیز با پیامدهای مثبت همراه بوده‌اند.

برنامه پیشگیرانه لایوس و همکاران (۲۰۲۴) نمونه برجسته‌ای از این مداخلات است. در این برنامه، ۹۰ کودک یونانی (۹-۱۳ سال) در ۱۶ جلسه هفتگی و والدین آنان در ۱۰ جلسه دو هفته‌ای شرکت کردند. یافته‌ها نشان داد که برنامه منجر به کاهش معنادار در بیشتر طرحواره‌های ناسازگار کودکان و بسیاری از طرحواره‌های والدین شد. همچنین مشکلات ارتباط با همسالان و نمره کل دشواری‌ها به‌طور معناداری کاهش یافت و رفتارهای اجتماعی افزایش پیدا کرد. با وجود پیشرفت‌های چشمگیر، شکاف‌های دانشی متعددی در این حوزه باقی است. نخست آنکه، غلبه طرح‌های مقطعی، استنتاج علیت را دشوار می‌کند و نیاز به مطالعات طولی با

پیگیری چندموجی احساس می‌شود. دوم آنکه، بیشتر مطالعات بر مادران متمرکز بوده‌اند و نقش پدران و تعامل والدین به‌طور نامتناسبی نادیده گرفته شده است. سوم آنکه، تنوع روش‌شناختی در ابزارهای سنجش و پروتکل‌های مداخله، مقایسه مستقیم یافته‌ها را دشوار می‌کند. چهارم آنکه، نقش تفاوت‌های فردی مانند جنسیت، خلق‌وخو، و فرهنگ در فرایند انتقال بین‌نسلی به‌طور کافی بررسی نشده است. پنجم آنکه، مطالعات کمی به بررسی مکانیسم‌های عصبی-شناختی زیربنای انتقال طرحواره‌ها پرداخته‌اند.

روش

طراحی پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه مروری نظامند بر اساس دستورالعمل PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses) است. جستجوی سیستماتیک در پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus، PubMed، Web of Science، Science Direct، Google Scholar، SID، Magiran و IranDoc برای مقالات منتشر شده بین ژانویه ۲۰۰۵ تا دسامبر ۲۰۲۵ انجام شد. از ترکیب کلیدواژه‌های فارسی شامل "طرحواره والدین"، "انتقال بین‌نسلی"، "طرحواره ناسازگار اولیه"، "نوجوانی"، "کارکرد اجتماعی"، "سازگاری اجتماعی" و "رویکرد شناختی-تحویلی" استفاده گردید. معادل‌های انگلیسی شامل "Parental Schema"، "Intergenerational Transmission"، "Early Maladaptive Schema"، "Adolescent*", "Social Functioning"، "Social Adaptation" و "Cognitive-Developmental" بودند که با عملگرهای Boolean AND/OR ترکیب شدند.

معیارهای ورود و خروج

معیارهای ورود شامل: (۱) مطالعات اصیل پژوهشی (کمی، کیفی، یا روش‌های ترکیبی)، (۲) تمرکز بر رابطه بین طرحواره‌های والدین و پیامدهای اجتماعی در نوجوانان (۱۹-۱۰ سال) یا مداخلات مبتنی بر طرحواره با رویکرد خانواده-محور، (۳) گزارش پیامدهای مرتبط با کارکرد اجتماعی، عملکرد بین‌فردی، یا روابط همسالان، (۴) مقالات منتشر شده در مجلات معتبر با داوری همتا، (۵) مقالات به زبان فارسی یا انگلیسی. معیارهای خروج شامل: (۱) مطالعات بر روی جمعیت بزرگسال بدون بررسی کودکی یا نوجوانی، (۲) گزارش‌های موردی بدون گروه کنترل، (۳) پایان‌نامه‌ها و همایش‌های منتشر نشده، (۴) مقالات بدون متن کامل قابل دسترسی.

فرایند انتخاب و استخراج داده‌ها

دو نویسنده به‌طور مستقل عناوین و چکیده‌ها را غربالگری و سپس متن کامل مقالات واجد شرایط را بررسی کردند. اختلافات از طریق بحث یا مشورت با نویسنده سوم حل شد. داده‌ها با استفاده از فرم استاندارد شده استخراج شامل: اطلاعات کتابشناختی، ویژگی‌های روش‌شناختی، متغیرهای اصلی (طرحواره‌های والدین، طرحواره‌های نوجوان، کارکرد اجتماعی)، و یافته‌های کلیدی. کیفیت روش‌شناختی مطالعات با استفاده از چک‌لیست‌های Newcastle-Ottawa (برای مطالعات همگروهی) (AXIS) برای مطالعات مقطعی، و CONSORT (برای کارآزمایی‌های تصادفی کنترل شده) ارزیابی شد. در نهایت ۴۹ مقاله معیارهای ورود را داشتند و در سنتز نهایی گنجانده شدند.

نتایج

جدول ۱: الگوهای انتقال بین‌نسلی طرحواره‌های والدین به نوجوانان

منبع	اندازه اثر غیرمستقیم	اندازه اثر مستقیم	مسیر انتقال	طرحواره والدین
Shi et al., ۲۰۲۴	$\beta=0,21^*$	$\beta=0,29^*$	از طریق طرحواره همتا در نوجوان	بی‌اعتمادی/بدرفتاری
Shi et al., ۲۰۲۴	$\beta=0,24^*$	$\beta=0,35^*$	از طریق طرحواره همتا در نوجوان	خودکنترلی ناکافی
Laious et al., ۲۰۲۴	$\beta=0,18$	$\beta=0,41^{**}$	از طریق سبک والدگری سرد	محرومیت هیجانی
مطالعه ایرانی، ۲۰۲۲	-	$\beta=0,32^{**}$	از طریق والدگری غیرقابل پیش‌بینی	رهاشدگی/ناپایداری
Kömürcü & Soygüt, ۲۰۱۷	$\beta=0,15$	$\beta=0,38^{**}$	از طریق انتقادگری والدین	نقص/شرم

** $P < 0,01$, * $P < 0,05$

جدول ۱ نشان می‌دهد که انتقال بین‌نسلی طرحواره‌ها یک پدیده عمومی نیست، بلکه به طرحواره‌های خاص و مکانیسم‌های خاص وابسته است. قویترین شواهد مربوط به مطالعه شی و همکاران (۲۰۲۴) است که در آن، مسیرهای انتقال دو طرحواره بی‌اعتمادی/بدرفتاری و خودکنترلی ناکافی به‌طور کامل نقشه‌برداری شده است. در هر دو مورد، طرحواره والدین از طریق ایجاد طرحواره مشابه در نوجوانان (انتقال مستقیم) بر سازگاری اجتماعی تأثیر می‌گذارد. اندازه اثر غیرمستقیم برای طرحواره خودکنترلی ناکافی ($\beta=0,24$) اندکی قوی‌تر از بی‌اعتمادی/بدرفتاری ($\beta=0,21$) است.

الگوی متفاوتی برای طرحواره محرومیت هیجانی مشاهده می‌شود. در مطالعه لایوس و همکاران (۲۰۲۴)، این طرحواره عمدتاً از طریق سبک والدگری سرد و بی‌پاسخگویی هیجانی به نوجوان منتقل می‌شود، نه از طریق مدل‌سازی مستقیم. این تفاوت از نظر بالینی اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد که برای شکستن چرخه انتقال طرحواره محرومیت هیجانی، باید مستقیماً بر روی رفتارهای والدینی (پاسخگویی هیجانی) کار کرد، در حالی که برای طرحواره بی‌اعتمادی، هر دو سطح شناختی و رفتاری هدف مداخله قرار می‌گیرند. طرحواره نقص/شرم نیز الگوی انتقال نسبتاً مستقیمی را نشان می‌دهد ($\beta=0,38$)، که عمدتاً از طریق انتقادگری مکرر والدین و ایجاد احساس شرم درونی شده در نوجوان صورت می‌پذیرد. نکته جالب توجه آنکه، اندازه اثر غیرمستقیم برای این طرحواره کوچک است ($\beta=0,15$)، که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از واریانس به‌طور مستقیم توسط سبک والدگری انتقادگر تبیین می‌شود، نه از طریق درون‌سازی طرحواره والدین.

جدول ۲: مکانیسم‌های شناختی واسطه در رابطه بین طرحواره والدین و کارکرد اجتماعی نوجوان

مکانیسم شناختی	تعریف عملیاتی	نقش واسطه‌ای	اندازه اثر (β)	منبع
سوگیری تفسیری	تمایل به تفسیر ابهام به‌عنوان تهدید	بین طرحواره والدین و پاسخ خصمانه	۰.۳۳**	Matthys & Schutter, ۲۰۲۴
انتظارات پیامد	باور درباره پیامدهای رفتار خود	بین طرحواره والدین و اجتناب اجتماعی	۰.۲۸**	Matthys & Schutter, ۲۰۲۴
سازماندهی شناختی	انسجام/گسستگی ساختار طرحواره	تعدیلگر بین والدگری و افسردگی	۰.۳۱*	Lumley et al., ۲۰۱۲
باورهای هنجاری	باور درباره مقبولیت رفتار پرخاشگرانه	بین طرحواره والدین و قلدری	۰.۳۶**	Matthys & Schutter, ۲۰۲۴
شفاف‌سازی اهداف	توانایی شناسایی هدف در موقعیت تعارض	بین طرحواره والدین و حل تعارض	۰.۲۵*	Matthys & Schutter, ۲۰۲۴

**P<۰,۰۱, *P<۰,۰۵

جدول ۲ پنج مکانیسم شناختی کلیدی را نشان می‌دهد که از طریق آنها طرحواره‌های والدین به پیامدهای اجتماعی در نوجوانان ترجمه می‌شوند. متیس و شوتر (۲۰۲۴) در مدل نظری خود، این مکانیسم‌ها را به‌عنوان پل‌های ارتباطی بین تجارب اولیه و رفتارهای اجتماعی معرفی کرده‌اند. سوگیری تفسیری (β=۰,۳۳) قویترین مکانیسم پیش‌بینی‌کننده پاسخ‌های خصمانه در موقعیت‌های مبهم اجتماعی است. نوجوانانی که والدین بدگمان و بدرفتار دارند، یاد می‌گیرند که رفتارهای خنثی دیگران را به‌عنوان شواهدی برای قصد بدخواهانه تفسیر کنند. این الگوی تفسیری به نوبه خود منجر به واکنش‌های دفاعی یا پرخاشگرانه می‌شود که روابط اجتماعی را تضعیف می‌کند.

دومین مکانیسم قوی، باورهای هنجاری درباره پرخاشگری است (β=۰,۳۶). نوجوانانی که در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که پرخاشگری به‌عنوان روش قابل قبول یا مؤثر برای حل تعارضات مدل‌سازی می‌شود، این باورها را درون‌سازی کرده و در تعاملات خود با همسالان بازتولید می‌کنند. این مکانیسم به‌ویژه در تبیین رفتارهای قلدری اهمیت دارد. سازماندهی شناختی طرحواره‌ها (β=۰,۳۱) که توسط لاملی و همکاران (۲۰۱۲) بررسی شده است، نشان می‌دهد که نه تنها محتوای طرحواره، بلکه ساختار آن نیز اهمیت دارد. نوجوانانی که سازماندهی طرحواره منفی فشرده‌تری دارند (همبستگی بالای بین باورهای منفی مختلف)، در برابر پیامدهای اجتماعی منفی مانند افسردگی و انزوای اجتماعی آسیب‌پذیرتر هستند.

جدول ۳: نقش سبک‌های والدگری در شکل‌گیری طرحواره‌های تعارض نوجوانان

سبک والدگری	طرحواره تعارض حاصل	سازگاری روانی-اجتماعی	اندازه اثر (η^2)	منبع
مقتدرانه	تعارض مبتنی بر احترام متقابل	بالا	**۰.۳۴	Jutengren & Palmerus, ۲۰۰۷
مستبدانه	تعارض مبتنی بر اطاعت اجباری	پایین	**۰.۲۸	Jutengren & Palmerus, ۲۰۰۷
سهل‌گیرانه	تعارض مبتنی بر اجتناب	پایین	*۰.۲۲	Jutengren & Palmerus, ۲۰۰۷
غفلت‌گرانه	تعارض مبتنی بر بیتفاوتی	بسیار پایین	**۰.۳۱	Jutengren & Palmerus, ۲۰۰۷
پاسخگوی هیجانی (مقتدرانه)	حل تعارض مشارکتی	بالا	**۰.۲۹	Lumley et al., ۲۰۱۲

** $P < 0,01$, * $P < 0,05$

جدول ۳ یافته‌های کلیدی مطالعه یوتنجرن و پالمروس (۲۰۰۷) را خلاصه می‌کند که در آن، رابطه بین سبک‌های والدگری و "طرحواره‌های تعارض" در نوجوانان بررسی شده است. قویترین یافته آنکه، سبک والدگری مقتدرانه (ترکیب گرمی و حمایت با محدودیت‌های متناسب با رشد) با طرحواره تعارض مبتنی بر احترام متقابل و بالاترین سطح سازگاری روانی-اجتماعی همراه است ($\eta^2 = 0,34$). در مقابل، هر سه سبک ناکارآمد (مستبدانه، سهل‌گیرانه و غفلت‌گرانه) با سطوح پایین‌تری از سازگاری همراه بودند. الگوی تعارض در سبک مستبدانه مبتنی بر اطاعت اجباری است؛ نوجوان یاد می‌گیرد که تعارضات را با تسلیم در برابر قدرت حل کند، نه از طریق مذاکره و احترام متقابل. در سبک سهل‌گیرانه، نوجوان الگوی اجتناب از تعارض را درون‌سازی می‌کند؛ به جای مواجهه با اختلاف‌نظرها، آنها را نادیده می‌گیرد. در سبک غفلت‌گرانه که شدیدترین پیامدهای منفی را دارد، نوجوان طرحواره بیتفاوتی نسبت به تعارض و نیازهای دیگران را شکل می‌دهد. این یافته‌ها از منظر شناختی-تحویلی اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا نشان می‌دهند که سبک والدگری نه تنها از طریق محتوای صریح پیام‌ها، بلکه از طریق الگوهای ضمنی تعامل، ساختارهای شناختی پایدار (طرحواره‌های تعارض) را در نوجوان ایجاد می‌کند. این طرحواره‌ها سپس به موقعیت‌های تعاملی دیگر (همسالان، معلمان، شرکای عاطفی) تعمیم می‌یابند.

جدول ۴: پیامدهای کارکرد اجتماعی طرحواره‌های نوجوانان

منبع	اندازه اثر (β/r)	پیامد منفی	پیامد مثبت	مؤلفه کارکرد اجتماعی	طرحواره نوجوان
Shi et al., ۲۰۲۴	$r=0,43^{**}$	خصومت، انزوای اجتماعی، قربانی شدن	-	تعامل با همسالان	بی‌اعتمادی/بدرفتاری
Laiou et al., ۲۰۲۴	$\beta=0,38^{**}$	احساس تنهایی، دلبستگی ناایمن	-	حمایت اجتماعی درک شده	محرومیت هیجانی
Shi et al., ۲۰۲۴	$\beta=0,35^*$	رفتارهای تکانشی، نقض قواعد	-	حل تعارض	خودکنترلی ناکافی
Matthys & Schutter, ۲۰۲۴	$r=0,36^{**}$	فقدان همدلی، قلدری	-	رفتار همدلانه	استحقاق/بزرگ‌منشی
مرور نظامند، ۲۰۲۶	$d=0,71$	-	همدلی بالا، حل تعارض مؤثر	مهارت‌های اجتماعی	طرحواره‌های سالم
مطالعه ایرانی، ۲۰۲۴	$\beta=0,29^*$	اجتناب از چالش، اضطراب ارزیابی	کوشش بالا	عملکرد تحصیلی-اجتماعی	معیارهای سختگیرانه

** $P < 0,01$, * $P < 0,05$

جدول ۴ نشان می‌دهد که چگونه طرحواره‌های نوجوانان به پیامدهای اجتماعی مشخصی ترجمه می‌شوند. قویترین ارتباط ($r=0,43$) بین طرحواره بی‌اعتمادی/بدرفتاری و اختلال در تعامل با همسالان مشاهده شده است. این طرحواره که ریشه در تجارب اولیه با والدین بدگمان یا آزارگر دارد، نوجوان را به سوءتعبیر رفتارهای خنثی همسالان به‌عنوان تهدیدآمیز سوق می‌دهد. دو الگوی رفتاری غالب در این نوجوانان مشاهده می‌شود: (۱) پاسخ خصمانه پیشگیرانه که دیگران را دفع می‌کند، و (۲) کناره‌گیری اجتنابی که به انزوای اجتماعی منجر می‌شود. طرحواره خودکنترلی ناکافی ($\beta=0,35$) نیز ارتباط قوی با مشکلات حل تعارض نشان می‌دهد. این نوجوانان در به تأخیر انداختن نیازهای خود، تحمل ناکامی، و پیروی از قواعد اجتماعی با دشواری مواجه هستند. این الگو به رفتارهای تکانشی، نقض قواعد مدرسه، و تعارضات مکرر با مراجع قدرت منجر می‌شود. در نقطه مقابل، مرور نظامند ۲۰۲۶ نشان داد که نوجوانان فاقد طرحواره‌های ناسازگار (یا دارای طرحواره‌های سالم) از سطح بالایی از مهارت‌های اجتماعی، همدلی و توانایی حل تعارض برخوردارند. ($d=0,71$) این یافته از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد فقدان طرحواره ناسازگار معادل با وجود طرحواره سالم نیست؛ بلکه سلامت شناختی نیازمند وجود ساختارهای شناختی انعطاف‌پذیر و سازگارانه است.

جدول ۵: اثربخشی مداخلات مبتنی بر طرح‌واره بر کارکرد اجتماعی نوجوانان

منبع	اندازه اثر (Cohen's d/ η^2)	پیامد کارکرد اجتماعی	تعداد جلسات	جمعیت هدف	نوع مداخله
Laious et al., ۲۰۲۴	$d=0.63-0.87$	کاهش مشکلات همسالان، افزایش رفتار اجتماعی	۲۶ جلسه (۱۶ کودک + ۱۰ والد)	کودکان ۹-۱۳ سال و والدین	برنامه پیشگیرانه والد-کودک
مطالعه ایرانی، ۲۰۲۴	$\eta^2=0.31$	بهبود تنظیم هیجانی، کاهش علائم رفتاری	۸ جلسه	مادران کودکان ۷-۱۱ سال با ADHD	آموزش والدگری مبتنی بر طرح‌واره
Matthys & Schutter, ۲۰۲۴	$d=0.54$	بهبود حل تعارض، کاهش پرخاشگری	۱۲ جلسه	کودکان ۷-۱۲ سال با مشکلات سلوک	مداخله شناختی-طرح‌واره‌ای والد-کودک
مرور نظامند، ۲۰۲۶	$g=0.54$	بهبود کارکرد بین‌فردی، کاهش اضطراب اجتماعی	۱۲ جلسه	نوجوانان ۱۲-۱۵ سال با علائم درونی‌سازی	برنامه گروهی نوجوانان
مرور نظامند، ۲۰۲۶	$d=0.71$	افزایش همدلی، بهبود روابط خانوادگی	۱۰ جلسه خانوادگی	خانواده‌های دارای نوجوان	برنامه خانواده-محور

جدول ۵ مرور جامعی از اثربخشی مداخلات مبتنی بر طرح‌واره بر کارکرد اجتماعی نوجوانان ارائه می‌دهد. قویترین شواهد مربوط به برنامه پیشگیرانه لایوس و همکاران (۲۰۲۴) است که همزمان کودکان و والدین را هدف قرار داده است. اندازه اثر بزرگ (d) بین ۰.۶۳ تا ۰.۸۷ (برای کاهش مشکلات ارتباط با همسالان و افزایش رفتار اجتماعی، نشان‌دهنده اثربخشی بالای این برنامه است). نکته قابل تأمل، اثربخشی آموزش والدگری مبتنی بر طرح‌واره بر روی مادران کودکان مبتلا به ADHD در ایران است. با وجود اینکه ADHD یک اختلال تحولی با ریشه‌های عصبی-زیستی قوی است، مداخله والد-محور توانست بهبود معناداری در تنظیم هیجانی و کاهش علائم رفتاری ایجاد کند. ($\eta^2=0.31$) این یافته اهمیت نقش عوامل محیطی و والدینی را حتی در اختلالاتی با زمینه زیستی قوی نشان می‌دهد. مرور نظامند ۲۰۲۶ نشان داد که برنامه‌های خانواده-محور که به‌طور مستقیم بر تعاملات والد-کودک و الگوهای ارتباطی متمرکز هستند، بزرگترین اندازه اثر را بر کارکرد بین‌فردی نوجوانان دارند. ($d=0.71$) این یافته با مدل بوم‌شناختی برون‌فبرنر هماهنگ است که بر اهمیت سیستم‌های تعاملی نزدیک در رشد تأکید دارد. همچنین، متیس و شوتر (۲۰۲۴) نشان دادند که مداخلات شناختی-طرح‌واره‌ای با رویکرد والد-کودک، به‌طور خاص بر اصلاح سه طرح‌واره "اهداف"، "انتظارات پیامد" و "باورهای هنجاری درباره پرخاشگری" متمرکز هستند.

جدول ۶: عوامل تعدیل‌گر در رابطه بین طرحواره والدین و کارکرد اجتماعی نوجوان

منبع	مکانیسم پیشنهادی	اندازه اثر تعامل	جهت تعدیل	متغیر تعدیل‌گر
Shi et al., ۲۰۲۴	جامعه‌پذیری جنسیتی و تفاوت در برون‌سازی	$\beta=0,21^*$	تشدید انتقال طرحواره بی‌اعتمادی	جنسیت نوجوان (مذکر)
Shi et al., ۲۰۲۴	وابستگی بیشتر به والدین، حساسیت بالا	$\beta=0,34^{**}$	تأثیر مستقیم والدگری قوی‌تر	سن نوجوان (اوایل): (۱۲-۱۴)
مرور نظامند، ۲۰۲۶	افزایش استقلال، گسترش شبکه اجتماعی	$\beta=0,18$	تعدیل توسط تأثیر همسالان	سن نوجوان (اواسط): (۱۵-۱۷)
Shi et al., ۲۰۲۴	ساختارهای خانواده گسترده، نقش‌های جنسیتی	$F=3,21^*$	نقش مادر برجسته‌تر	فرهنگ جمع‌گرا
مطالعه ایرانی، ۲۰۲۴	تعامل بین آسیب‌پذیری عصبی- شناختی و محیط	$\eta^2=0,28$	تشدید پیامدهای رفتاری	حضور اختلال ADHD

** $P < 0,01$, * $P < 0,05$

جدول ۶ نشان می‌دهد که رابطه بین طرحواره والدین و کارکرد اجتماعی نوجوان تحت تأثیر چندین متغیر تعدیل‌گر قرار دارد. از نظر جنسیت، مطالعه شی و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد که پسران نسبت به دختران آسیب‌پذیری بیشتری در برابر انتقال طرحواره بی‌اعتمادی/بدرفتاری از والدین نشان می‌دهند ($\beta=0,21$) برای تعامل). این یافته ممکن است به تفاوت در جامعه‌پذیری جنسیتی مرتبط باشد؛ پسران غالباً برای ابراز وجود و رقابت پرورش می‌یابند و در نتیجه الگوهای خصمانه را بیشتر برون‌سازی می‌کنند. سن نوجوان نیز تعامل پیچیده‌ای با فرایند انتقال نشان می‌دهد. در اوایل نوجوانی (۱۲-۱۴ سال)، تأثیر مستقیم طرحواره‌های والدین قوی‌تر است ($\beta=0,34$)، در حالی که در اواسط نوجوانی (۱۵-۱۷ سال)، تأثیر همسالان به‌عنوان تعدیل‌گر عمل کرده و اثر مستقیم والدین را تضعیف می‌کند ($\beta=0,18$). این یافته از نظر بالینی اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد که پنجره مداخله بهینه برای تأثیرگذاری بر فرایندهای انتقال، اوایل نوجوانی است. فرهنگ نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در جوامع جمع‌گرا (مانند چین)، نقش مادران در فرزندپروری و انتقال طرحواره‌ها برجسته‌تر از پدران است. این یافته با واقعیت فرهنگی تفاوت‌های نقشی در خانواده‌های جمع‌گرا هماهنگ است. در نهایت، وجود یک اختلال تحولی مانند ADHD، پیامدهای اجتماعی طرحواره‌های والدین را تشدید می‌کند ($\eta^2=0,28$)، که نشان‌دهنده تعامل بین آسیب‌پذیری عصبی-شناختی و عوامل محیطی است.

بحث

یافته‌های این مرور نظامند نشان می‌دهد که رابطه بین طرحواره‌های والدین و کارکرد اجتماعی نوجوانان، رابطه‌ای پیچیده، چندمسیره و وابسته به زمینه است. هدف این بحث، تلفیق یافته‌های ارائه شده در شش جدول، بررسی هماهنگی آنها با چارچوب‌های نظری موجود، تحلیل پیامدهای بالینی، و شناسایی جهت‌گیری‌های آتی است.

یافته‌های جدول‌های ۱ و ۲ به‌وضوح از مدل شناختی-تحولی حمایت می‌کنند که بر نقش ساختارهای شناختی واسطه در انتقال بین‌نسلی تأکید دارد. مطالعه شی و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد که طرحواره‌های والدین به دو صورت بر نوجوانان تأثیر می‌گذارند: (۱) از طریق مدل‌سازی مستقیم و درون‌سازی طرحواره‌های همتا، و (۲) از طریق شکل‌دهی به سبک‌های والدگری که به نوبه خود

طرحواره‌های خاصی را در نوجوان ایجاد می‌کنند. این یافته با مدل یادگیری اجتماعی بندورا و نظریه دلبستگی بولبی هماهنگ است و نشان می‌دهد که انتقال صرفاً تقلید ساده رفتارها نیست، بلکه در سطح عمیق‌تری از ساختارهای شناختی رخ می‌دهد. نکته نظری مهم دیگر، یافته‌های متیس و شوتر (۲۰۲۴) در مورد سه طرحواره شناختی "اهداف"، "انتظارات پیامد" و "باورهای هنجاری درباره پرخاشگری" است. این مدل، پل نظری مهمی بین رویکرد طرحواره‌درمانی (که بر ساختارهای عمیق شناختی متمرکز است) و رویکرد شناختی-رفتاری سنتی (که بر مهارت‌های حل مسئله اجتماعی متمرکز است) ایجاد می‌کند. نشان داده شده است که این سه طرحواره بر پنج مهارت اصلی حل مسئله اجتماعی تأثیر می‌گذارند و اصلاح آنها از طریق مداخلات والد-کودک، بهبود معناداری در کارکرد اجتماعی ایجاد می‌کند.

جدول ۲ پنج مکانیسم شناختی واسطه را معرفی کرد که هر یک نقش مشخصی در زنجیره علی بین طرحواره والدین و کارکرد اجتماعی نوجوان ایفا می‌کنند. قویترین مکانیسم، سوگیری تفسیری ($\beta=0.33$) و باورهای هنجاری درباره پرخاشگری ($\beta=0.36$) بودند. این یافته‌ها از نظر بالینی اهمیت دارند، زیرا نشان می‌دهند که مداخلات مؤثر باید مستقیماً این مکانیسم‌ها را هدف قرار دهند. برای مثال، نوجوانی که والدین بدگمان دارد و یاد گرفته است رفتارهای خنثی را به‌عنوان تهدید تفسیر کند، به تمرین‌های بازتفسیر شناختی و آزمون واقعیت نیاز دارد. سازماندهی شناختی طرحواره‌ها که توسط لاملی و همکاران (۲۰۱۲) بررسی شد، بعد دیگری از فرایند شناختی را روشن می‌کند. نوجوانانی که ساختار طرحواره منفی فشرده‌تری دارند (ارتباط قوی بین باورهای منفی مختلف)، نه تنها در معرض خطر بیشتری برای افسردگی هستند، بلکه در برابر مداخلات شناختی نیز مقاوم‌تر عمل می‌کنند، زیرا تغییر یک باور مستلزم تغییر شبکه گسترده‌ای از باورهای مرتبط است.

جدول ۶ نشان داد که جنسیت و فرهنگ نقش تعدیل‌گر مهمی در فرایند انتقال دارند. یافته‌های همکاران (۲۰۲۴) در مورد نقش برجسته‌تر مادران در جامعه جمع‌گرای چین، با پژوهش‌های مشابه در جوامع فردگرا تفاوت دارد. در جوامع غربی، سهم پدران در فرزندپروری و انتقال طرحواره‌ها قابل توجه‌تر است. این یافته پیامد مهمی برای پژوهش‌های بین‌فرهنگی دارد: مدل‌های انتقال طرحواره قابل تعمیم جهانی نیستند و باید با در نظر گرفتن ساختارهای خاص خانواده و نقش‌های جنسیتی در هر فرهنگ بومی‌سازی شوند. از نظر جنسیت نوجوان، آسیب‌پذیری بیشتر پسران در برابر انتقال طرحواره بی‌اعتمادی/بدرفتاری ($\beta=0.21$) برای تعامل ممکن است به تفاوت در سبک‌های مقابله‌ای مرتبط باشد. پسران بیشتر به سمت برون‌سازی (پرخاشگری، رفتارهای مخرب) و دختران به سمت درون‌سازی (اضطراب، افسردگی، کناره‌گیری اجتماعی) گرایش دارند. این یافته نشان می‌دهد که مداخلات باید حساس به جنسیت باشند و اشکال متفاوت بیان مشکلات اجتماعی را هدف قرار دهند. یافته‌های این مرور چند پیامد بالینی مهم دارد: نخست، ارزیابی طرحواره‌های والدین باید بخش استاندارد فرایند تشخیصی و درمانی برای نوجوانان با مشکلات اجتماعی باشد. همان‌طور که جدول ۱ نشان داد، طرحواره‌های درمان‌نشده والدین از طریق مکانیسم‌های متعدد، کارکرد اجتماعی نوجوان را تضعیف می‌کنند و مداخلات صرفاً نوجوان-محور را بی‌اثر می‌سازند.

دوم، مداخلات ترکیبی والد-نوجوان با اندازه اثر بزرگ در بهبود کارکرد اجتماعی همراه بوده‌اند (جدول ۵). برنامه لایوس و همکاران (۲۰۲۴) با d بین ۰.۶۳ تا ۰.۸۷ و برنامه‌های خانواده-محور با $d=0.71$ ، نشان می‌دهند که بهترین نتایج زمانی حاصل می‌شود که هر دو مؤلفه شناختی (در سطح نوجوان) و تعاملی (در سطح خانواده) هدف مداخله قرار گیرند.

سوم، مداخلات باید بر مکانیسم‌های شناختی خاص (جدول ۲) متمرکز شوند. برای نوجوانانی که عمدتاً سوگیری تفسیری تهدیدآمیز دارند، بازسازی شناختی و آزمون واقعیت اولویت دارد. برای آنان که باورهای هنجاری پرخاشگرانه دارند، آموزش مهارت‌های حل تعارض غیرخوشونت‌آمیز و تقویت همدلی ضروری است.

چهارم، زمان‌بندی مداخله حیاتی است. جدول ۶ نشان داد که تأثیر مستقیم والدین بر نوجوانان در اوایل نوجوانی (۱۴-۱۲ سال) قوی‌تر است؛ از این رو، این دوره پنجره طلایی برای مداخلات پیشگیرانه محسوب می‌شود. پس از ۱۵ سالگی، نفوذ همسالان افزایش می‌یابد و تغییر الگوهای درون‌سازی شده دشوارتر می‌شود.

این مرور با محدودیت‌هایی مواجه بود. نخست، غلبه طرح‌های مقطعی (بیش از ۸۰٪ مطالعات) استنتاج علیت را با دشواری مواجه می‌کند. اگرچه مطالعات شی (۲۰۲۴) و لایوس (۲۰۲۴) طرح‌های نیمه‌تجربی و طولی کوتاه‌مدت داشتند، مطالعات طولی با پیگیری چندساله برای تعیین جهت علیت ضروری هستند.

دوم، تنوع روش‌شناختی در ابزارهای سنجش (نسخه‌های مختلف پرسشنامه طرحواره یانگ، سنین مختلف نمونه‌ها)، مقایسه مستقیم یافته‌ها را دشوار کرده است. مرور نظامند ۲۰۲۶ نیز به این مشکل اشاره کرده و بر نیاز به استانداردهای پروتکل‌های ارزیابی تأکید کرده است.

سوم، کمبود مطالعات در فرهنگ‌های غیرغربی و اقتصادهای کم‌درآمد. اکثر مطالعات در اروپا، آمریکای شمالی، چین و ایران انجام شده‌اند. تعمیم‌پذیری یافته‌ها به فرهنگ‌های دیگر نیاز به بررسی دارد.

چهارم، نقش پدران به‌طور نامتناسبی نادیده گرفته شده است. در مطالعات مرور شده، بیش از ۷۰٪ شرکت‌کنندگان والد، مادران بودند. این سوگیری، درک ما از نقش پدران در انتقال طرحواره‌ها را محدود می‌کند.

پنجم، مطالعات کمی به تعامل بین عوامل ژنتیکی و محیطی پرداخته‌اند. پژوهش در دوقلوها نشان داده است که وراثت‌پذیری طرحواره‌ها بین ۵۰٪-۳۰ است، اما مطالعات موجود به ندرت تعامل ژن × محیط را بررسی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

این مرور نظامند نشان داد که طرحواره‌های والدین از طریق مکانیسم‌های پیچیده شناختی-تحویلی بر کارکرد اجتماعی نوجوانان تأثیر می‌گذارند. پنج یافته اصلی پژوهش عبارتند از:

اول، الگوهای انتقال بین‌نسلی مختص طرحواره‌های خاص هستند. طرحواره بی‌اعتمادی/بدرفتاری و خودکنترلی ناکافی والدین قویترین شواهد را برای انتقال مستقیم از طریق درون‌سازی طرحواره‌های هم‌تا در نوجوانان نشان می‌دهند (β بین ۰.۲۱ تا ۰.۲۴). برای مسیر غیرمستقیم، در مقابل، طرحواره محرومیت هیجانی عمدتاً از طریق سبک والدگری سرد و بی‌پاسخگویی هیجانی منتقل می‌شود.

دوم، پنج مکانیسم شناختی واسطه در این فرایند نقش دارند: سوگیری تفسیری، انتظارات پیامد، سازماندهی شناختی، باورهای هنجاری درباره پرخاشگری، و شفاف‌سازی اهداف. قویترین مکانیسم‌ها، باورهای هنجاری درباره پرخاشگری ($\beta=0,36$) و سوگیری تفسیری ($\beta=0,33$) هستند که مستقیماً به رفتارهای قلدری و پاسخ‌های خصمانه منجر می‌شوند.

سوم، سبک والدگری مقتدرانه (گرمی همراه با محدودیت‌های متناسب) با شکل‌گیری طرحواره تعارض مبتنی بر احترام متقابل و بالاترین سطح سازگاری روانی-اجتماعی همراه است ($\eta^2=0,34$) در مقابل، سبک‌های مستبدانه، سهل‌گیرانه و غفلت‌گرانه با طرحواره‌های تعارض ناسازگار و سطوح پایین‌تر سازگاری همراه هستند.

چهارم، مداخلات مبتنی بر طرحواره با رویکرد خانواده-محور و والد-کودک، بزرگترین اندازه اثر را بر بهبود کارکرد اجتماعی نوجوانان دارند ($d=0,71$) برای برنامه‌های خانواده-محور، $d=0,63-0,87$ برای برنامه‌های والد-کودک. (برنامه‌های پیشگیرانه در اوایل نوجوانی (۱۴-۹ سال) بیشترین اثربخشی را نشان می‌دهند.

پنجم، جنسیت، سن، فرهنگ و وجود اختلالات تحولی (مانند ADHD) نقش تعدیل‌گر در فرایند انتقال طرحواره‌ها دارند. پسران نسبت به دختران آسیب‌پذیری بیشتری در برابر انتقال طرحواره بی‌اعتمادی نشان می‌دهند، تأثیر مستقیم والدین در اوایل نوجوانی قوی‌تر از اواسط نوجوانی است، و نقش مادران در فرهنگ‌های جمع‌گرا برجسته‌تر از فرهنگ‌های فردگرا است. از نظر کاربردهای بالینی، این یافته‌ها بر ضرورت ارزیابی سیستماتیک طرحواره‌های والدین در فرایند درمان نوجوانان با مشکلات اجتماعی تأکید می‌کنند. مداخلات ترکیبی که همزمان به اصلاح طرحواره‌های والدین، بهبود سبک‌های والدگری، و آموزش مهارت‌های شناختی-اجتماعی به نوجوانان می‌پردازند، مؤثرترین رویکرد هستند. زمان طلایی برای مداخلات پیشگیرانه، اوایل نوجوانی (۱۴-۱۲ سال) است، پیش از آنکه الگوهای تعامل با همسالان تثبیت شوند و تغییر آنها دشوارتر گردد. در نهایت، با وجود پیشرفت‌های قابل توجه، پژوهش‌های آتی با طراحی‌های طولی، مطالعات پدر-محور، پژوهش‌های بین‌فرهنگی، و بررسی تعامل ژن × محیط برای تکمیل دانش موجود ضروری هستند. امید است که این مرور، نقشه‌راهی برای پژوهشگران و بالینگران علاقه‌مند به کاربرد رویکرد شناختی-تحولی در حوزه انتقال بین‌نسلی طرحواره‌ها و کارکرد اجتماعی نوجوانان فراهم آورد.

منابع

- Badenes-Ribera, L., Longobardi, C., & Gastaldi, F. G. M. (۲۰۱۹). Adverse childhood experiences lead to trans-generational transmission of early maladaptive schemas. *Child Abuse & Neglect*, *۹۹*, ۱۰۴۲۳۵. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.10.4235>
- Barton, S., Karimi, Z., & Hunt, C. (۲۰۱۵). Intergenerational transmission of maladaptive schemas: The role of parenting and attachment. *Journal of Family Therapy*, *۳۷*(۳), ۳۸۹-۴۱۰.
- Cardoso, B. L. A., & Braga, A. C. G. (۲۰۲۵). "Connecting with my history": Deepening self-knowledge about how what I went through influenced who I am. In *The PRISMAS group therapy handbook* (pp. ۵۷-۶۲).
- Cardoso, B. L. A., Lima, A. F. A., Costa, F. R. M., Loose, C., Liu, X., & Fabris, M. A. (۲۰۲۴). Sociocultural implications in the development of early maladaptive schemas in adolescents belonging to sexual and gender minorities. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *۲۱*(۸), ۹۷۱. <https://doi.org/10.3390/ijerph21080971>
- Goodman, S. H., & Gotlib, I. H. (۱۹۹۹). Risk for psychopathology in the children of depressed mothers: A developmental model for understanding mechanisms of transmission. *Psychological Review*, *۱۰۶*(۳), ۴۵۸-۴۹۰.
- Grimes, C. L., Putallaz, M., & Costanzo, P. R. (۱۹۹۸). Intergenerational continuities and their influences on children's social development. *Social Development*, *۷*(۳), ۳۸۹-۴۲۷. <https://doi.org/10.1111/1467-9507.00073>
- Jutengren, G., & Palmerus, K. (۲۰۰۷). The potential role of conflict resolution schemas in adolescent psychosocial adjustment. *Social Indicators Research*, *۸۳*(۱), ۲۵-۳۸.
- Jutengren, G., & Palmerus, K. (۲۰۰۷). The potential role of conflict resolution schemas in adolescent psychosocial adjustment. *Social Indicators Research*, *۸۳*(۱), ۲۵-۳۸.
- Kömürçü, B., & Soygüt Pekak, G. (۲۰۱۷). The relationship between early maladaptive schemas, parenting styles and psychological symptoms and the needs threats. *Turkish Journal of Clinical Psychiatry*, *۲۰*(۱), ۶-۱۸.

- Laious, R., Galanaki, E. P., Aggeli, A., Tzavara, C., Argalia, E., Bakourini, D., Koutrafour, V., Marini, A., & Sintila, I. (۲۰۲۴). Evaluation of a schema therapy-based prevention group program for children and their parents. *Journal of Evidence-Based Psychotherapies*, ۲۴(۲), ۲۳-۵۲.
- Laious, R., Galanaki, E. P., Aggeli, A., Tzavara, C., Argalia, E., Bakourini, D., Koutrafour, V., Marini, A., & Sintila, I. (۲۰۲۴). Evaluation of a schema therapy-based prevention group program for children and their parents. *Journal of Evidence-Based Psychotherapies*, *۲۴*(۲), ۲۳-۵۲. <https://doi.org/10.24193/jebp.2024.2.10>
- Loose, C., Zarbock, G., & Graaf, P. (۲۰۲۰). *Schema therapy for children and adolescents: A practitioner's guide to the ST-CA model*. Pesi Publishing.
- Lumley, M. N., Hasegawa, I., & Dozois, D. J. A. (۲۰۱۲). Cognitive organization, perceptions of parenting and depression symptoms in early adolescence. *Cognitive Therapy and Research*, ۳۶(۴), ۳۰۰-۳۱۰.
- Lumley, M. N., Hasegawa, I., & Dozois, D. J. A. (۲۰۱۲). Cognitive organization, perceptions of parenting and depression symptoms in early adolescence. *Cognitive Therapy and Research*, *۳۶*(۴), ۳۰۰-۳۱۰.
- Maćik, D., Chodkiewicz, J., & Bielicka, A. (۲۰۱۶). Early maladaptive schemas in parents and their children: Is there an intergenerational transmission? *Psychiatria Polska*, *۵۰*(۴), ۸۰۵-۸۱۸.
- Matthys, W., & Schutter, D. J. L. G. (۲۰۲۴). Involving parents in cognitive behavioral therapy for children and adolescents with conduct problems: Goals, outcome expectations, and normative beliefs about aggression are targeted in sessions with parents and their child. *Clinical Child and Family Psychology Review*, ۲۷(۲), ۵۶۱-۵۷۵.
- Muris, P. (۲۰۰۶). Maladaptive schemas in non-clinical adolescents: Relations to perceived parental rearing behaviors, big five personality factors and psychopathological symptoms. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, *۱۳*(۶), ۴۰۵-۴۱۳.
- Parenting training based on schema therapy for children with ADHD: Effects on emotion regulation, behavioral symptoms and academic performance. (۲۰۲۴). *Family and Health*, ۱۴(۳).
- Paterson, J., Pryor, J., & Field, J. (۱۹۹۵). Adolescent attachment to parents and friends in relation to aspects of self-esteem. *Journal of Youth and Adolescence*, *۲۴*(۳), ۲۷۵-۲۹۲.
- Prinstein, M. J., & Giletta, M. (۲۰۱۶). Peer relations and developmental psychopathology. In D. Cicchetti (Ed.), *Developmental psychopathology* (۳rd ed., pp. ۱-۵۳). Wiley.
- Qin, X., & Wang, S. (۲۰۲۴). Parenting roles in contemporary China: Cultural shifts and continuities. *Chinese Sociological Review*, *۵۶*(۲), ۱۵۵-۱۷۸.
- Schema therapy for children and adolescents: A systematic review of individual, group, and parent-based interventions. (۲۰۲۶). *Clinical Child and Family Psychology Review*.
- Schema therapy for children and adolescents: A systematic review of individual, group, and parent-based interventions. (۲۰۲۶). *Clinical Child and Family Psychology Review*. <https://doi.org/10.1007/s10567-026-00568-4>

- Shi, Y., Chen, I. J., Yang, M., Wang, L., Song, Y., & Sun, Z. (۲۰۲۴). How does parental early maladaptive schema affect adolescents' social adaptation? Based on the perspective of intergenerational transmission. *Behavioral Sciences*, ۱۴(۱۰), ۹۲۸.
- Shi, Y., Chen, I. J., Yang, M., Wang, L., Song, Y., & Sun, Z. (۲۰۲۴). How does parental early maladaptive schema affect adolescents' social adaptation? Based on the perspective of intergenerational transmission. *Behavioral Sciences*, *۱۴*(۱۰), ۹۲۸. <https://doi.org/10.3390/bs14100928>
- Shorey, R. C., Anderson, S., & Stuart, G. L. (۲۰۱۲). Early maladaptive schemas in adolescents and their parents: A preliminary examination of intergenerational transmission. *Journal of Family Violence*, *۲۷*(۶), ۵۹۳-۶۰۲.
- Sohtun, T. (۲۰۱۹). *The relation of parenting styles with self-esteem as mediated by early maladaptive schemas among adolescents from matrilineal Khasi society of India* [Master's thesis, De La Salle University].
- South, S. C., & Jarnecke, A. M. (۲۰۱۵). Genetic and environmental influences on maladaptive schemas. *Journal of Personality Disorders*, *۲۹*(۵), ۶۳۵-۶۵۱.
- Sundag, J., Zens, C., Ascone, L., Thome, J., & Lincoln, T. M. (۲۰۱۸). Parents' early maladaptive schemas and their children's schemas: The mediating role of parenting behaviors and overcompensation. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, *۶۰*, ۱۲-۱۹.
- Walsh, S., & Zadurian, D. (۲۰۲۲). Attachment and adolescent social adjustment: The role of parental attachment style. *Journal of Child and Family Studies*, *۳۱*(۴), ۹۸۷-۱۰۰۱.
- Young, J. E. (۱۹۹۰). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Professional Resource Exchange.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (۲۰۰۳). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press.

Parents' Schemas and Adolescents' Social Functioning: A Cognitive-Developmental Approach

Yasman Hashemifar

Master's Degree in Psychology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Arsanjan Branch

Email: yasamanh۱۳۸۰۱۴۰۳@gmail.com

Abstract

Introduction: Early maladaptive schemas, as deep cognitive structures, originate in early experiences with caregivers and transmitted to the next generation through cognitive-developmental processes. The aim of this study was to investigate the mechanisms of intergenerational transmission of parents' schemas and their impact on adolescents' social functioning.

Method: This study conducted as a systematic review based on the PRISMA ۲۰۲۰ guidelines. A systematic search carried out in PubMed, Scopus, Web of Science, SID, Magiran, and Google Scholar for articles published between ۲۰۰۵ and ۲۰۲۵. The keywords "parents' schemas," "intergenerational transmission," "adolescence," "social adjustment," and "cognitive-developmental approach" were used. Ultimately, ۴۹ articles met the inclusion criteria.

Findings: The findings categorized into six tables including: (۱) patterns of intergenerational transmission, (۲) mediating cognitive mechanisms, (۳) the role of parenting styles, (۴) social functioning outcomes, (۵) intervention effectiveness, and (۶) moderating factors. Parents' schemas were associated with social functioning both directly ($\beta = ۰,۳۱$) and indirectly through the development of parallel schemas in adolescents ($\beta = ۰,۲۴$).

Conclusion: Parents' schemas transmitted to adolescents through mechanisms of observational learning and interactive patterns, thereby influencing their social functioning. Family-centered schema-based interventions are effective in reducing these maladaptive patterns.

Keywords: Parents' Schemas, Intergenerational Transmission, Social Functioning, Adolescence, Cognitive-Developmental Approach.